

## تعقل ورزی به مثابه عاملی بنیادین در تربیت اسلامی: رویکردی پیشگیرانه در دوره نوجوانی

محمدطاهر باقری ورکانه<sup>۱</sup>

صدیقه باقری ورکانه<sup>۲</sup>

محمدحسین وفاپیان<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و استخراج الگویی کاربردی از راه‌های ازدیاد عقل به‌عنوان عاملی مؤثر در تربیت نوجوان از منظر آیات و روایات است. تعلیم و تربیت با رشد و کمال انسان سروکار دارد و از آنجا که انسان موجودی پیچیده است، تربیت او نیز پیچیده می‌باشد. در این میان دوره نوجوانی از مهم‌ترین مقاطع زندگی در مسیر رشدی انسان است. از این رو تربیت نوجوان نیازمند استفاده از منابعی غنی است. از این منابع غنی می‌توان به آیات و روایات معصومین (ع) اشاره کرد که توجه خاصی را به جایگاه عقل در امر تربیت مبذول کرده‌اند. روش تحقیق با توجه به وسعت آیات و روایات مربوطه، تحلیل مضمون است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی پراکنده و متنوع است. یافته‌های پژوهش جاری که بر اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش و شناسایی ۴۷ مضمون پایه، ۳۲ مضمون سازمان‌دهنده فرعی، ۵ مضمون سازمان‌دهنده اصلی و ۳ مضمون فراگیر به دست آمده است، شامل موارد راهبردی برای رشد عقل، موانع رشد عقل و پیامدهای مرتبط با رشد عقل در تربیت بوده و در نهایت الگویی کاربردی به‌عنوان جمع‌بندی مضامین ارائه شده است. به‌عنوان نتیجه بر اساس مدل ارائه شده، یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت اسلامی، رسیدن به کمالات انسانی و از سوی، همانندنگاری کمال انسانی با رسیدن به مرتبه عقل در انسان است.

۱. سطح سوم حوزه، حوزه علمیه قم، مدرس و دانش‌پژوه، قم، ایران

Taher\_shahid@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

bagheri.atu2010@gmail.com

۳. دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران، عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر، تهران، ایران

mh\_vafaiyan.yahoo.com

## واژگان کلیدی

عقل؛ از دید عاقل؛ تربیت اسلامی؛ کمال انسانی، نوجوان.

### مقدمه

سخن از تعلیم و تربیت یکی از جذاب‌ترین مباحث عرصه دینی است، چه آنکه در طول تاریخ بشریت تا اوایل عصر روشنگری، دین مهم‌ترین عامل تعلیم و تربیت انسان‌ها بوده و از عصر روشنگری به بعد نیز همواره دین یکی از جدی‌ترین عوامل تربیت انسان‌ها به‌شمار می‌آمده است (شکری نصرت‌آباد و خدیوی، ۱۳۹۸). امروزه هر جامعه‌ای اساس کار خود را بر تربیت صحیح و متناسب با نیازها و فرهنگ و ارزش‌های اساسی خود برای نسل آینده قرار داده است. آینده یک جامعه در دستان نسل آتی است و پیشرفت و موفقیت جوامع و رسیدن به اهداف، بستگی به شیوه تربیت و آموزش نوجوانانی دارد که دست‌اندرکاران فردای آن جوامع هستند. درک ضرورت و ارزش پرورش نسل تربیت‌یافته در جهان صنعتی امروز، علاوه بر ارتقا جایگاه فردی شخص، زمینه بهبود عملکرد جامعه را نیز فراهم می‌کند (Jones, 2011). توجه به مشکلات نوجوانان و جوانان به جهت اینکه آن‌ها آینده‌سازان جامعه‌اند از ضروریات هر جامعه است و اهمیت به‌سزایی دارد؛ لذا توجه به موقعیت‌های آنان در ابعاد مختلف باید در اولویت قرار گیرد. دوره نوجوانی یعنی سن ۱۳ تا ۱۸ سالگی از نظر آموزش صلاحیت‌های اجتماعی و عاطفی، دوره مهمی محسوب می‌شود. این دوره به‌خودی‌خود عاملی برای چالش‌های عاطفی و اجتماعی است. تقریباً همه دانش‌آموزان با ورود به این دوره با کاهش اعتمادبه‌نفس و کاهش عزت اجتماعی یعنی اطمینان‌خاطر از دوست‌یابی و حفظ ارتباط با آن‌ها، مواجه هستند (هويزاوی و عنایتی، ۱۳۹۰). در این رابطه هریک از نظام‌های تربیتی اهداف و راهبردهای خاصی را مدنظر دارند و همه فعالیت‌های خود را برای تحقق آن‌ها مصروف می‌دارند. در اسلام نیز به مسئله تربیت نوجوان، توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد وی تعیین شده است. باوجوداین، پیچیدگی نظام ادراکی و رفتاری انسان (مخصوصاً در دوره نوجوانی) موجب ابهام در شیوه‌های ارتقاء باورها و رفتارهای انسانی شده است، چنانچه در منابع وحیانی اسلام نیز تأکیداتی جدی بر

اهمیت، پیچیدگی و مانایی فعالیت‌های تربیتی، در دوران نوجوانی شده است (راوندی، ۱۳۷۶). امروزه در برخی از مکاتب تربیتی، تمام روش‌ها بر پایه انتقال اطلاعات و داده‌های تربیتی استوار شده است؛ لکن تربیت صرفاً در حوزه دانستن، به انجام نرسیده و نظر، لزوماً به عمل منتهی نگردیده و تجربه بشری و آموزه‌های دینی، بیانگر آن هستند که دانش، لزوماً اطاعت نیاورده و نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در انسان مؤلفه‌های دیگری نیز دارد که در رفتار و باور انسانی مؤثرند. یکی از این مؤلفه‌ها عقل می‌باشد. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: ستون حقیقت انسان عقل است. عقل سرچشمه هوش، فهم، حفظ و علم می‌باشد. به واسطه عقل انسان کامل می‌گردد. عقل، راهنما و بصیرت‌دهنده و کلید کار انسان است. پس زمانی که عقل انسان، با نور تأیید گردد، وی عالم، حافظ، ناظر، باهوش و فهمیده می‌شود. سپس کیفیت، چرایی و چگونگی امور را می‌فهمد، و خیرخواه و بدخواه خود را می‌شناسد. وقتی این‌ها را فهمید، جایگاه حقیقی خود را متوجه می‌شود و در توحید الهی و دل دادن به طاعت خدا، مخلص می‌شود، و چون چنین شد، از دست‌رفته‌ها را به چنگ می‌آورد (گذشته‌ها را جبران می‌کند) و بر آینده مسلط می‌گردد، و وضعیت حال فعلی‌اش را می‌شناسد و متوجه می‌گردد برای چه در این وضع است. متوجه می‌شود از کجا آمده و به کجا می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵). این‌ها همه از تأیید عقل است.

این پژوهش با تأکید بر اهمیت نقش عقل در تربیت اسلامی نوجوان در صدد است تا راه‌های ازدیاد عقل را به‌عنوان زمینه‌ای در امر تربیت از منظر آیات و روایات شناسایی و معرفی کند.

در زبان فارسی «تربیت» معادل دقیق واژه پرورش است، و بر کوشش اطلاق می‌شود که توانایی‌های نهفته یک چیز یا یک شخص را از قوه به فعل درآورد. تربیت در مورد انسان عبارت است از کوشش‌ها و تلاش‌های سنجیده، برنامه دار و مستمری که شخصی را با داشتن مجموعه‌ای از خامی‌ها و کاستی‌ها از رکود و سقوط بیرون آورد و وارد مسیری سازد که توانایی‌هایش را به کار انداخته و رشد دهد و همزمان موانع رشدی را که در وی نهفته است، از وی بزداید (محقق، ۱۳۸۳).

علامه جوادی آملی در تعریف عقل چنین می‌گوید: عقل نیروی ادراکی ناب است که از گزند وهم و قیاس و گمان مصون است (به نقل از: مصباحی جمشید، ۱۳۹۸). عقل، آگاه از معرفت و مبدأ صدور افعال فضیلت بار انسان است؛ لذا در اندیشه اسلامی، بیدارسازی، به‌کارگیری و رشد عقل، گام نخست تربیت به حساب می‌آید؛ گامی که هم نقطه آغاز برای تکامل انسان است و هم خود به‌عنوان آیت میانی در روند تربیت محسوب می‌شود. برای تعریف عقل، می‌توان به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) اشاره خواهیم نمود: «مَثَلُ عَقْلِ دَر قَلْبِ مِثْلِ چَرَاغِ دَر وَسْطِ خَانِهٖ اسْت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۹). اگر در خانه‌ای تاریک، چیزی وارد شود، فرد آن را نمی‌بیند، و نمی‌فهمد که چه هست. به همین صورت اگر فردی عقل علمی خاص را نداشته باشد، یعنی عقل وی به اندازه درک آن علم نباشد، حقیقت آن علم برای انسان درک نمی‌گردد؛ به این معنا که عقل متصل هر انسانی که از آن به لبّ نیز تعبیر می‌گردد، دارای مراتبی است، و هر مرتبه از آن متناسب با علمی خاص می‌باشد. یعنی برای اینکه هر علمی، برای انسان وارد وادی عمل و طاعت شود، لازم است عقل آن علم نیز موجود باشد. پس مراتب علمی هر کس بایستی متناسب با مراتب عقلی وی باشد؛ به‌گونه‌ای که علم او از عقلش پیشی نگیرد، و هر علمی که دارد، عقل متناسب با آن را نیز داشته باشد. از همین رو در روایت شریفی از امام علی (ع) چنین آمده است: «هرکس که علمش از عقلش بیشتر گردد، آن علم برایش وبال می‌گردد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۲۵).

شعبانی ورکی (۱۳۷۷) در فراتحلیلی بر نظریه‌های تربیت، نظریه‌ها را به ۳ دسته تقسیم می‌کند: ۱. نظریه‌های تربیت مبتنی بر عادت (نظریه‌پردازانی چون: ارسطو، پیاژه، کلبرگ، لاک، دبس و ...); ۲. نظریه‌های تربیت مبتنی بر استدلال (نظریه‌پردازانی چون: سقراط، افلاطون، روسو، کانت و ...); ۳. نظریه‌های تربیتی مبتنی بر عادت و استدلال. درنهایت یکی از نتایجی که شعبانی ورکی در پژوهش خود به آن دست می‌یابد این است که در تربیت دینی استدلال بر عادت مرجح است و بر این اساس لازم است با کودکان و نوجوانان در یک سطح عقلانی برخورد شود.

در گستره تربیت اسلامی و جایگاه عقل، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نگاشته شده است. در برخی به‌صورت کلی به تبیین مفهوم عقل و جایگاه آن در تربیت اسلامی و

دینی پرداخته شده است؛ مانند پژوهش قاسم‌پور (۱۳۹۰) که از جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی سخن گفته است، پژوهش دیگر در این زمینه پژوهش وحدانی‌فر (۱۳۹۳) می‌باشد که به بازشناسی ماهیت و مفهوم دینی عقل و نقش آن به عنوان مبنایی برای تعلیم و تربیت در اسلام پرداخته است. برخی دیگر از مقالات به بررسی موانع تربیت عقلانی از دید اسلام پرداخته‌اند؛ مانند پژوهش عشوری، حیدری و بختیار نصرآبادی (۱۳۹۲). در این مقاله از عوامل و موانع تربیت عقلانی بر مبنای دیدگاه‌های شهید مطهری و تبیین تربیت عقلانی در عرصه تربیت سخن گفته‌اند. برخی دیگر از مقالات به روش‌های تربیت عقلانی از یک منظر خاص توجه کرده‌اند؛ برای مثال پژوهش بهشتی و رشیدی (۱۳۹۲) به روش‌های تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع) پرداخته است یا پژوهش ایرانمنش و رستمی نسب (۱۳۹۵) به روش‌های تربیت عقلانی در صحیفه سجاده پرداخته است. با این حال نکته‌ای اساسی که در این پژوهش‌ها مدنظر قرار نگرفته است نگاه ویژه اسلام به مفهوم عقل در زمینه تربیت و شناسایی عوامل مؤثر بر ازدیاد عقل از منابع بیشتر و کامل‌تر می‌باشد، که در این پژوهش از منابع بیشتر و کامل‌تری در رابطه با این موضوع استفاده شده است.

تربیت اسلامی را می‌توان به پرورش فکر انسان و جهت‌دهی رفتار، اعمال، احساسات و عواطفش بر اساس دین اسلام، به قصد تحقق بخشیدن اهداف اسلام در همه ابعاد زندگی فرد و جامعه، تعریف کرد؛ بنابراین تربیت اسلامی فرایندی است که قبل از هر چیز، عقل و فکر انسان را آماده و بیدار می‌سازد و تصویری درست از جهان، زندگی، نقش انسان و تعاملش با دنیای خارج ارائه می‌کند و انسان را راهنمایی می‌کند که چگونه از این جهان بهره‌بردار و هدف‌نهایی این زندگی موقت و نیز هدفی را که انسان بایستی در تحقق آن بکوشد، برایش تبیین می‌کند. اسلام در برنامه تعلیم و تربیت خود همه این جوانب را به صورت منظم ارائه نموده است (سیدزاده، ۱۳۸۸).

اهمیت شئون انسان و جایگاه تربیت برای پرورش انسان کامل در اسلام به حدی است که توفیق راهنمایی یک فرد، بهتر از هر چیزی است که در دنیا وجود دارد. خداوند از احیای یک انسان به عنوان احیای همه انسان‌ها و از میراندن یک انسان به عنوان میراندن

کل انسان‌ها یاد کرده است که این زنده کردن و میراندن صرفاً بعد فیزیکی انسان را پوشش نداده است بلکه بعد انسانیت و معنوی را نیز شامل می‌شود. این‌جاست که اهمیت تعلیم و تربیت در مکتب والای اسلام جایگاه خویش را نشان می‌دهد (نبلی احمدآبادی، ۱۳۹۲). نهاد خانواده به‌عنوان اولین کانونی که کودکان در آن پرورش می‌یابند، نقش اساسی در امر تربیت دینی دارد. ازسوی دیگر، در عرصه اجتماعی کشور، از آنجاکه نهادهای آموزشی ارتباط نزدیک، زنده و متداوم و منظم با مخاطبان خود دارند که خیل عظیمی از کودکان، نوجوانان و جوانان را دربرمی‌گیرد، جایگاه مهمی در تعلیم و تربیت افراد دارند و در کنار آن سایر نهادهای دیگر اجتماعی نیز مسئولیت اهتمام به امر دینی آحاد مردم را عهده‌دار می‌باشند؛ بنابراین، به نظر می‌آید تربیت انسان‌های هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلام یکی از اهداف و وظایف اساسی در نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود (کشاورز، ۱۳۸۷).

هدف غایی تربیت در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیت‌های او متأثر از آن هدف باشد. هدف غایی از دیدگاه اسلام، هدفی است که مطلوبیت آن ذاتی است، یعنی آن را برای رسیدن به هدف دیگری نمی‌خواهیم بلکه خودش موضوعیت دارد (کویانی، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد که رضوان الله از میان اهداف دیگر مناسب‌ترین هدف غایی برای تربیت اسلامی است و برترین و بالاترین ویژگی و درجه‌ای است که انسان می‌تواند آن را کسب کند و بالاتر از آن چیزی نیست. منظور از رضوان، رضایت خدا از بنده و رضایت بنده از خداست (حسینی‌زاده، ۱۳۹۹).

مسیر ترسیم شده در تربیت دینی، بر پایه عقلانیت استوار است و شرط تحقق آن، به‌کارگیری این قوه است و نه صرفاً برخورداری از آن. تعقل، امکان شناخت و حل مسئله ساده و پیچیده حیات انسان را فراهم می‌کند. در آیات قرآن به وفور از تعبیر مختلف مربوط به عقل و مشتقات و اطلاقات آن استفاده شده است؛ خداوند درباره صاحبان خرد می‌فرماید: آنان که سخنان را گوش فرامی‌دهند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند، آنها هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها هستند که صاحبان خرد نایند (سوره زمر: آیات ۱۷ و ۱۸). دلایل هم‌سویی عقل و تربیت را می‌توان چنین برشمرد: ۱. انسان موجودی است که

ماهیتاً دارای عقل است؛ این ویژگی، نقطه آغاز تربیت است؛ ۲. عقل دارای دو شأن نظری و عملی است که در عین ارتباطی که با هم دارند، منجر به دو کارکرد مجزا برای عقل می‌شوند؛ ۳. عقل امری تربیت‌پایه است، چون نقصان و زیادت می‌پرود؛ ۴. تجربه، پرورش‌دهنده عقل است؛ و ۵. وظیفه و آیت عقل، رشد و کمال آدمی است و این رشد در اثر غلبه عقل بر هوای نفس در فرایند تربیت پدید می‌آید. در نظام دینی، عقل حجت باطنی است و جز در مواردی که در اثر امور عارضی، استعمال نادرست می‌یابد، دستگاه مطمئنی است که به‌سوی حق هدایت می‌کند. عقل ماهیتی فعال و قابلیت‌هایی بسیار دارد؛ اما تشخیص، ارزیابی و گزینش مستدلانه و منتقدانه امور، نیازمند عنصری قدرتمندتر از ساختار ظاهری عقل است؛ زیرا عقل صرفاً در پی احصای براهین مختلف برای امور مهم در حیات بشر است. این ساختار نیازمند اتکا به منبع معرفت‌بخش یقینی است؛ یعنی ارزیابی عقلانی نیازمند جلوه‌های دیگری از معرفت است که مستخرج از وحی است و متضمن مفهوم ایمان. ایمان در مجرای عقل و همسو با آن است؛ زیرا هدف تربیت عقلانی در نظام دینی، رسیدن به جایگاه قرب است (مصباحی جمشید، ۱۳۹۸).

یکی از بهترین راه‌هایی که اولیا و مربیان در تعلیم و تربیت می‌توانند از آن استفاده کنند، پرورش و تقویت نیروی عقل است؛ زیرا عقل در تعدیل و کنترل تمایلات حیوانی و دعوت به کارهای نیک و تقید به مکارم اخلاق نقش بزرگی را ایفا می‌کند. عقل برای انسان بهترین راهنماست. مشکلات اخلاقی و اجتماعی انسان‌ها غالباً معلول جهالت ضعف نیروی عقلی آن‌هاست. اگر عقل نیرومند باشد زمام‌کشور نفس را در اختیار گرفته و طبق مصالح واقعی اداره می‌کند و چنین فردی سعادت‌مند خواهد شد؛ بنابراین اولیا و مربیان وظیفه دارند پرورش عقل را جزئی از برنامه‌های خود قرار دهند (امینی، ۱۳۸۷).

با توجه به اهمیت ذکر شده در رابطه با مبحث عقل و جایگاه آن در تربیت بر آن شدیم به جمع‌آوری و تحلیل داده‌های متنوع در منابع ذی‌ربط با این موضوع بپردازیم که بهترین و کاربردی‌ترین روش شناخته‌شده، روش کیفی از نوع تحلیل مضمون می‌باشد که در ادامه به شرح آن پرداخته شده است.

## روش پژوهش

روش پژوهش در پژوهش حاضر تحلیل مضمون می‌باشد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. از منظر برخی اندیشمندان، این روش اولین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران در مسیر پژوهش‌های کیفی خود باید فراگیرند و از آن استفاده کنند؛ زیرا فنون اولیه اغلب روش‌های تحلیل کیفی، در روش تحلیل مضمون آموخته می‌شود، می‌توان تحلیل مضمون را به‌عنوان روشی مستقل در نظر گرفت که عمده ویژگی و برجستگی آن، منعطف بودن آن است.

جامعه پژوهش این تحقیق احادیث مرتبط با عقل در کتب و منابع اسلامی دست اول روایی نوشته شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی بالاخص کتب اربعه می‌باشد که به کمک نرم‌افزار جامع الاحادیث (نور) استخراج شده است و در ادامه با مراجعه به کتاب‌های حدیثی متأخر (همچون تحف العقول، بحارالانوار و مستدرک الوسائل و ...) تکمیل گشته است. در این روش، نمونه‌گیری در مراحل کدگذاری، تعیین مضامین و فرامضامین‌ها تا جایی ادامه یافت که دیگر مفهومی به مفاهیم قبلی اضافه نشده و داده‌ها به اشباع نظری رسیده است.

به منظور تکمیل نتایج و اعتباریابی مضامین استخراج شده، از روشی مانند ارسال به گروهی از متخصصان استفاده شد. در این مرحله، تحلیل‌ها و یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل مضمون با تشکیل گروه متشکل از متخصصان در این حوزه مورد مذاقه بیشتر و ویرایش قرار گرفته و تحلیل‌های انجام شده و مؤلفه‌های ارائه شده تعدیل و تنقیح شد. بدین ترتیب که در مرحله اول یافته‌های به‌دست آمده به متخصصان ارزیاب ارائه گردید. از ارزیاب‌ها خواسته شد تا بر اساس فهرست ارزیابی که در اختیار دارند، گزینه‌های «کاملاً مرتبط»، «مرتبط اما نیاز به بازبینی»، «نیاز به بازبینی اساسی» و «کاملاً غیرمرتبط» را انتخاب نمایند. شاخص CVI (Content validity index) نسبت روایی سازه، بر مبنای الگوی لاوشه در این ارزیابی برای یافته‌ها بالای ۰/۹. به‌دست آمد

که قابل قبول می‌باشد.

## یافته‌های پژوهش

خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش در سه بخش ذیل آورده شده است، سپس مفاهیم مؤثر د برگیرنده فرایند ازدیاد عقل به عنوان زمینه‌ای در امر تربیت از منظر آیات و روایات، به صورت الگویی کاربردی در شکل ۱ و جدول ۱ و ۲ نشان داده شده است.

الف) مفاهیم شناخته شده از موارد راهبردی برای «رشد عقل» (در ۳ مضمون اصلی)، «عوامل عاطفی، شناختی مرتبط با رشد عقل» (ذیل ۴ مضمون فرعی)، «عوامل رفتاری مرتبط با رشد عقل» (ذیل ۹ مضمون فرعی) و «عوامل تربیتی مرتبط با رشد عقل» (موردی که مرتبط با ازدیاد ادب می‌باشد (ذیل ۸ مضمون فرعی) طبقه بندی شده است.

ب) مفاهیم شناخته شده از موانع رشد عقل، در ۲ مضمون اصلی «موانع ذهنی و شناختی» (ذیل ۴ مضمون فرعی) و «موانع رفتاری» (ذیل ۴ مضمون فرعی)، طبقه بندی شده است.

ج) مفاهیم شناخته شده از پیامدهای مرتبط با رشد عقل، در یک مضمون اصلی «پیامدهای کلی مرتبط با جنبه عقل و تربیت» (ذیل ۳ مضمون فرعی)، طبقه بندی شده است.

برخی از امور در روایات مخالف عقل دانسته شده اند، به گونه‌ای که ازدیاد آن‌ها در انسان موجب کاستی عقل و کاستی آن‌ها در انسان موجب افزایش عقل می‌شود، از این جهت در جدول پیش‌رو این امور نیز تحت عنوان عوامل ازدیاد عقل گنجانده شده اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق).

جدول ۱: نمونه‌ای از مضامین پایه و مضامین فرعی در برگیرنده فرایند ازدیاد عقل و جلوگیری از کاستی آن به عنوان زمینه‌ای در امر تربیت از منظر آیات و روایات

مضامین پایه	مضامین فرعی
۱. امام علی(ع): هر کس یاد خدا کند، قلبش زنده می‌شود و عقل و لبش نورانی می‌گردد (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۵۸).	همیشه یاد خدا بودن
۲. امام علی(ع): هر کس ذکرش زیاد شود، نور عقلش بیشتر می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۶۳).	
۳. امام کاظم(ع): ای هشام! کسی که ثروت بدون مال، راحتی قلب از	طلب عقل نمودن از خدا

حسد و سلامتی دین را می‌خواهد باید با تضرع و زاری از خدا بخواهد که عقلش را کامل کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۹).

تفکر کردن

۴. امام علی(ع): فکر روشن‌گرِ عقل‌ها است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲).

یادگیری برخی از حکمت‌ها

۵. در انتهای حدیث پیش‌رو این موضوع مطرح شده است که امام علی(ع) به حارث اعور می‌فرماید: ای حارث! این حکمت‌ها را به فرزندان‌تان بیاموزید؛ زیرا آن‌ها بر عقل و حزم و رأی می‌افزاید.

امام علی(ع): از پسرشان حضرت امام حسن(ع) پرسیدند: پسر عزیزم عقل چیست؟ امام مجتبی(ع) پاسخ دادند: آن‌که قلب تو نگه‌دارنده چیزی باشد که در آن ودیعه نهاده‌ای.

سپس امام علی(ع) سؤال کردند: حزم (هوشیاری، دوراندیشی) چیست؟ امام مجتبی(ع) پاسخ دادند: آنکه منتظر فرصت باشی، و در امور خیری که برایت ممکن است شتاب‌ورزی.

امام علی(ع) سؤال کردند: مجد و بزرگی چیست؟ امام مجتبی(ع) پاسخ دادند: تاوان را پذیرفتن (انسان مسئولیت کار خویش را بپذیرد و تاوانش را تحمل نماید)، و ساختن زندگی بر شالوده‌ی ارزش‌های اخلاقی.

امام علی(ع) سؤال کردند: بخشندگی و جوانمردی چیست؟ امام مجتبی(ع) پاسخ دادند: بر آوردن نیاز درخواست‌کننده و بخشش دسترنج خود.

امام علی(ع) سؤال کردند: شُحّ (خساست همراه با حسادت) چیست؟ امام مجتبی(ع) پاسخ دادند: اینکه اندک (کار اندک خویش) را زیادی بدانی، و آنچه را در راه خدا داده‌ای، تلف شده پنداری.

امام علی(ع) سؤال کردند: «رَقَّة» پستی و بردگی چیست؟ (در بحار الأنوار «دَقَّة» و در تحف العقول «الدَّنِيَّة» آمده است) امام مجتبی(ع) پاسخ دادند: درخواست نمودن چیز کم، و دریغ داشتن از چیز اندک (نیخشیدن چیز کم ارزش).

امیرالمؤمنین(ع) سؤال کردند: خود را به رنج و سختی انداختن چیست؟ امام مجتبی(ع) پاسخ دادند: تمسک به کسی که تو را قبول ندارد و ایمنی نمی‌بخشدت، و کنجکاوی در چیزی که برایت سودی ندارد.

امام علی(ع) سؤال کردند: جهل چیست؟ امام مجتبی(ع) پاسخ دادند:

شتاب نمودن به‌سوی فرصتی، قبل از به‌دست آوردن مهارت لازم و همچنین جهل باز ماندن از پاسخگویی است، و در بیشتر مواقع سکوت، چه خوب کمک کاری است، اگرچه زبان گویایی داشته باشی.

سپس امام علی(ع) رو به فرزندشان حضرت امام حسین(ع) نمودند و به او گفتند: پسر عزیزم آقای چيست؟ امام حسین(ع) پاسخ دادند: نیکویی نمودن به خانواده و قبیله، و برگردن گرفتن و پذیرفتن مسئولیت اشتباه و گناه ایشان.

تجربه یا عبرت گرفتن

امام علی(ع) سؤال کردند: غنا(بی‌نیازی) چیست؟ امام حسین(ع) پاسخ دادند: اندک بودن آرزوهایت، و رضایت به آنچه که برای زندگی تو کفایت می‌کند (راضی بودن به داشتن ضروریات زندگی نه بیشتر).

خودارزیایی

امام علی(ع) سؤال کردند: فقر چیست؟ امام حسین(ع) پاسخ دادند: طمع و ناامیدی از رحمت پروردگار.

امام علی(ع) سؤال کردند: پستی و شایسته سرزنش بودن در چیست؟ امام حسین(ع) پاسخ دادند: آنجا که مردی خود را از خطر محفوظ دارد؛ اما عیال خود را تسلیم کند (یعنی خود را بر خانواده خویش ترجیح دهد).

امام علی(ع) سؤال کردند: ناپختگی و دریدگی چیست؟ امام حسین(ع) پاسخ دادند: در افتادن و دشمنی کردن با فرمانده خود، و شخصی که می‌تواند به تو سود و زیانی برساند.

آن‌گاه به حارث اعراب توجه نمودند و به وی فرمودند: ای حارث! این حکمت‌ها را به فرزندانتان بیاموزید؛ زیرا آن‌ها بر عقل و حزم و رأی می‌افزاید (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۰۱).

۶. امام علی(ع): عقل غریزه‌ای است که به‌واسطه علم و تجربه زیاد می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۱۹).

۷. امام علی(ع): بر عاقل است که بدی‌هایش را در دین، نظر، اخلاق و ادب، در صدرش جمع کند (به‌خاطرش بسپارد) یا اینکه یادداشت کند، و برای از بین بردن آنها بکوشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۶).

اجتناب از شرب خمر

۸. از حضرت امام رضا(ع) چنین نقل شده است: خداوند شراب را حرام نمود، به‌خاطر فسادش و به‌خاطر دگرگونی عقول نوشندگان و به‌خاطر

- ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۴۸۳). امام علی(ع) خداوند متعال شراب را حرام نمود، برای محافظت از عقل (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۱۰).
۹. حضرت امام صادق(ع) از پیامبر اکرم(ص) چنین نقل می‌فرمایند: مسواک زدن دوازده خاصیت دارد که یکی از خواص آن این است که عقل و حافظه را زیاد می‌نماید (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۶۲).
۱۰. امام باقر(ع): مسواک زدن، بلغم را از بین می‌برد و عقل را زیاد می‌گرداند (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸).
۱۱. امام علی(ع): بر شما باد میل نمودن کدو، چراکه عقل را زیاد می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۲۲۵).
۱۲. امام رضا(ع): کندر زیاد میل نماید. آن را در دهان خویش نگه دارید و خوب بجوید، چراکه بلغم را از معده دفع می‌کند، و آن را تمیز می‌نماید، و عقل را زیاد می‌کند، و غذا را گوارا می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۴۴۴).
۱۳. امام صادق(ع): سرکه عقل را فزونی می‌بخشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۳۰۱).
۱۴. بر شما باد میل نمودن به، چرا که عقل را زیاد می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۷۲).
۱۵. پیامبر اکرم(ص): بر شما باد میل نمودن کرفس، چراکه اگر یک چیز باشد که عقل را زیاد کند، این همان است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ص ۴۲۰).
۱۶. امام صادق(ع): خوردن گوشت موجب رشد گوشت‌های بدن می‌شود. همچنین عقل را زیاد می‌کند. هر کس روزهای متعددی خوردن آن را ترک نماید، عقلش فاسد می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۷۲).
۱۷. امام صادق(ع): هر کس خوردن گوشت را چهل روز ترک نماید، بد اخلاق می‌شود و عقلش تباه می‌گردد (عبدالله بن بسطام و حسین بن بسطام، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳۹).
۱۸. امام رضا(ع): سدّاب عقل را زیاد می‌نماید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۶۷).
۱۹. ابو طیفور متطبّب (کسی که خودش را طبیب می‌دانست) نقل می‌کند: به حضور حضرت امام کاظم(ع) شرفیاب شدم و ایشان را از آشامیدن

آب نهی کردم. حضرت فرمودند: آب، چه اشکالی دارد؟! درحالی که غذا را در معده می گرداند، و غضب را فرو می نشاند، و عقل را می افزاید، و صفرا را کم می گرداند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۸۱).

۲۰. احمد بن محمد بن ابی نصر نقل نموده است که که حضرت امام رضا(ع) به من چنین فرمودند: ای احمد! اشتهای تو نسبت به سبزیجات چگونه است؟ گفتم: همه را دوست ندارم، فرمودند: چون چنین است بر تو باد میل نمودن چغندر که این گیاه بر کناره نهر بهشت می روید. و درمان برخی بیماری هاست. و استخوانها را محکم می کند. و گوشت بدن را زیاد می نماید. ... و در حدیثی دیگر آمده است که عقل را فزونی می بخشد و خون را صاف می کند (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۱۹).

۲۱. امام رضا(ع): هر که می خواهد عقلش زیاد گردد، هر روز سه دانه هلیله با شکر ابلاج بخورد (شکر ابلاج نوعی شکر می باشد) (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ص ۴۵۸).

عوامل طبیعی و مزاجی

۲۲. امام علی(ع): روغن زدن، پوست را نرم و قوای دماغی و عقل را زیاد کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۰).

۲۳. نبی مکرم اسلام(ص): حجامت عقل را زیاد می کند. همچنین حافظه را نیز فزونی می بخشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹، ص ۱۲۶).

بوی خوش

۲۴. نبی مکرم اسلام(ص): بوی خوش عقل را زیاد می گرداند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵۹، ص ۲۸۷).

همنشین عاقل و خیرخواه

۲۵. امام علی(ع): هرکسی گوش دادن به حرف عاقلان را ترک نماید، عقلش می میرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۰).

۲۶. پیامبر اکرم(ص) در قسمتی از حدیثی طولانی به شمعون چنین نقل شده است: و اما از اطاعت نمودن از ناصح(خیرخواه)، زیاد شدن عقل و به کمال رسیدن لب منشعب می گردد و ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۹).

مهربانی با جاهلان

۲۷. امام علی(ع): از مستحکم ترین سبب های عقل، مهربانی و دلسوزی با جاهلان است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۷۳).

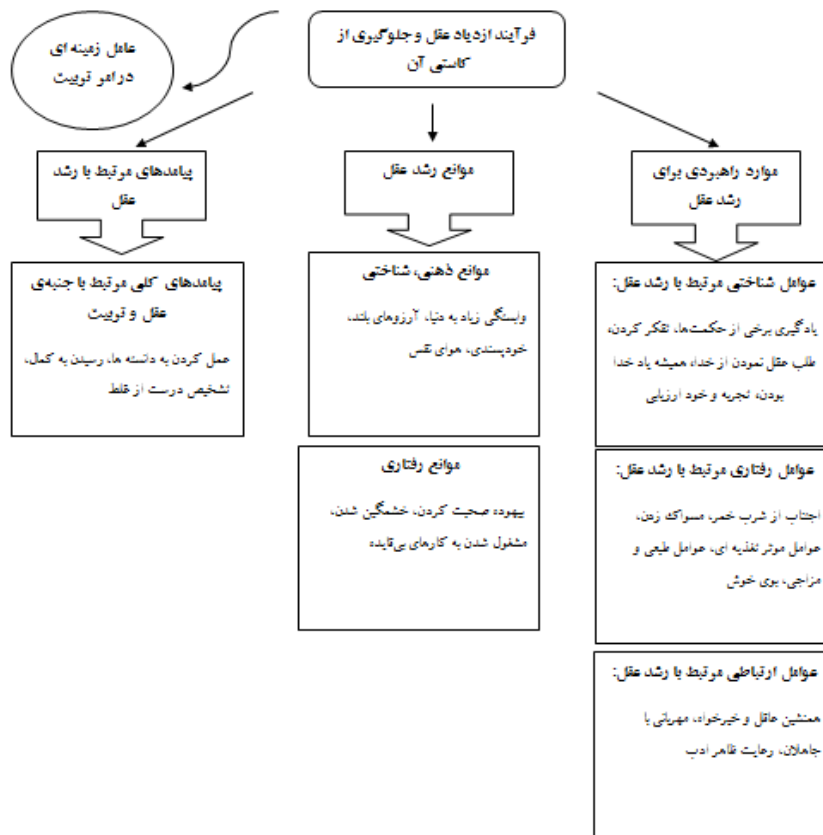
رعایت ظاهر ادب	۲۸. ابوهاشم جعفری نقل کرده است: خدمت حضرت رضا(ع) بودم و از عقل و ادب گفتگو می‌کردیم. حضرت فرمودند: ای ابوهاشم عقل موهبت خدا است، و ادب، اکتسابی توأم با رنج و سختی است. پس کسی که در ظاهر با حالت تکلف خود را مؤدب نشان دهد، آن را به دست آورد، اما کسی که در ظاهر و با سختی فراوان بخواهد خود را عاقل نشان دهد، تنها بر نادانی خویش افزوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳).
هوای نفس	۲۹. امام علی(ع): هر کس که از هوایش دوری کند، عقلش صحت می‌یابد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۰).
وابستگی زیاد به دنیا	۳۰. امام علی(ع): حب دنیا(دنیادوستی) عقل را تباه می‌سازد، و قلب را از شنیدن حکمت کر می‌سازد و موجب عذابی دردناک می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۸).
آرزوهای بلند	۳۱. امام علی(ع): و بدانیدای بندگان خدا! آرزو عقل را از بین می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۷۹۳). شایان ذکر است که منظور از «أمل»، آرزویی است که تحقق آن محال یا بسیار بعید و دور است. چنین آرزوهایی که از آن تعبیر به خیال‌پردازی نیز می‌شود، مانع تفکر و از بین برنده عقل می‌باشند.
خودپسندی	۳۲. امام علی(ع): عجب، عقل را به تباهی می‌کشاند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۴).
بیهوده صحبت کردن	۳۳. امام علی(ع): هرکس بیهوده‌گویی برایش غالب شود، عقلش کم می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۱۵).
مشغول شدن به کارهای بی‌فایده	۳۴. زندگی این دنیا، بجز لهو و لعب نیست و سرای آخرت، برای کسانی که تقوا پیشه کنند، بهتر است. چرا عقل به کار نمی‌بندید؟! (سوره مبارکه انعام، آیه ۳۲).
خشمگین شدن	۳۵. امام علی(ع): غضب عقل‌ها را از بین می‌برد. و از کار درست دور می‌نماید (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۳).
رسیدن به کمال	۳۶. امام علی(ع) فرمودند: جمال در زبان و کمال در عقل می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۶).
تشخیص درست از غلط	۳۷. پیامبر اکرم(ص): مثل عقل در قلب مثل چراغ در وسط خانه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۹).

۲۸. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: الله تبارک و تعالی چیزی را با فضیلت‌تر از عقل بین بندگان تقسیم نکرده است. خوابیدن عاقل با فضیلت‌تر از شب بیداری جاهل است و روزه نداشتن عاقل با فضیلت‌تر از روزه جاهل است. همچنین اقامت عاقل بهتر از رنج حرکت و جهاد جاهل است. الله تبارک و تعالی پیغمبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر آنکه عقل او را کامل نمود. و عقل او بهتر از عقل همه امّتش بوده است. و آنچه را که نبی در نفسش پنهان می‌دارد، افضل از اجتهاد مجتهدین است. هیچ بنده‌ای فرائض خدا را انجام ندهد مگر آنکه به عقل خود آن را دریابد. همه عابدان در فضل عبادت به پای عاقل نرسند، عقلا همان الوالالباباند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۱).

جدول ۲: مضامین فراگیر، اصلی و فرعی در برگزیده فرایند ازدیاد عقل و جلوگیری از کاستی آن  
به عنوان زمینه‌ای در امر تربیت از منظر آیات و روایات

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده فرعی	مضامین سازمان‌دهنده اصلی	مضامین فراگیر
روایات شماره ۱ و ۲	همیشه یاد خدا بودن	عوامل شناختی مرتبط با رشد عقل	موارد راهبردی برای رشد عقل
روایت شماره ۴	تفکر کردن		
روایت شماره ۳	طلب عقل نمودن از خدا		
روایت شماره ۵	یادگیری برخی از حکمت‌ها		
روایات شماره ۶	تجربه یا عبرت گرفتن		
روایت شماره ۷	خودارزیایی		
روایات شماره ۸ و ۹	اجتناب از شرب خمر		
روایات شماره ۹ و ۱۰	مسواک زدن		
از روایت شماره ۱۱ تا روایت شماره ۲۱	عوامل موثر تغذیه‌ای		
روایت شماره ۲۲ و ۲۳	عوامل طبیعی و مزاجی		
روایت شماره ۲۴	بوی خوش		

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده فرعی	مضامین سازمان‌دهنده اصلی	مضامین فراگیر
روایات شماره ۲۵ و ۲۶	همنشین عاقل و خیرخواه	عوامل ارتباطی مرتبط با رشد عقل	
روایت شماره ۲۷	مهربانی با جاهلان		
روایت شماره ۲۸	رعایت ظاهر ادب		
روایت شماره ۲۹	هوای نفس	موانع ذهنی، شناختی	موانع رشد عقل
روایت شماره ۳۰	وابستگی زیاد به دنیا		
روایت شماره ۳۱	آرزوهای بلند		
روایت شماره ۳۲	خودپسندی		
روایت شماره ۳۳	بیهوده صحبت کردن	موانع رفتاری	
روایت شماره ۳۴	مشغول شدن به کارهای بی‌فایده		
روایت شماره ۳۵	خشمگین شدن		
روایت شماره ۳۶	عمل کردن به دانسته‌ها	پیامدهای کلی مرتبط با جنبه عقل و تربیت	پیامدهای مرتبط با رشد عقل
روایت شماره ۳۷	رسیدن به کمال		
روایت شماره ۳۸	تشخیص درست از غلط		



شکل شماره ۱: الگوی کاربردی ارائه شده از فرآیند ازدیاد عقل و جلوگیری از کاستی آن به عنوان زمینه‌ای در امر تربیت از منظر آیات و روایات

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و استخراج الگوی کاربردی از راه‌های ازدیاد عقل و جلوگیری از کاستی آن به عنوان عاملی مؤثر در تربیت نوجوان از منظر آیات و روایات انجام شد. از لحاظ روان‌شناسی ژنتیک در تحول روانی آدمی، دوره مهمی وجود داد که بین دوران کودکی و بزرگسالی قرار می‌گیرد و به دوره نوجوانی مرسوم است. نوجوانی، معرف مرحله تغییر عمیقی است که کودک را از بزرگسال جدا می‌سازد، این مرحله واقعاً به معنای دگرگون شدن است که در چنین دوره‌ای نوجوان دائماً در حال

تغییر است. بنا به وجود این دگرگونی‌ها در دوره نوجوانی، نقش تربیت کارآمد در این دوره ضرورت پیدا می‌کند؛ بنابراین تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش منجر به ارائه یک الگوی کاربردی پیرامون راهبردهای ازدیاد عقل و جلوگیری از کاستی آن به‌عنوان عاملی مؤثر در تربیت نوجوانان، در سه محور راهبردهای شناختی، رفتاری و ارتباطی و موانع آن، در دو محور ذهنی شناختی و رفتاری گشت. پیامدهای ارائه شده در ارتباط با ازدیاد عقل در زمینه تربیت نیز در سه حوزه کلی بیان گردید.

یکی از پیامدهای ازدیاد عقل رسیدن به کمال است مجموع این یافته‌ها به ما نشان داد که رابطه عقل و کمال انسانی آنقدر زیاد است که می‌توان کمال را همان عقل دانست. از طرف دیگر با اینکه در طول زمان واژه تربیت معانی گوناگونی یافته است؛ اما مهم‌ترین معنایی که در مفهوم تربیت از گذشته تا به حال تقریباً ثابت مانده، توجه به کمالات نفسانی و روانی است که خود حاصل تربیت به‌شمار می‌آید (توسلی، ۱۳۹۲). پس می‌توان نتیجه گرفت بین ازدیاد عقل و تربیت رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و مربیان و والدین که پا در عرصه تربیت نهاده‌اند نباید از اهمیت عقل غافل گردند، از این منظر پژوهش حاضر با مقاله فقیهی و ترکاشوند (۱۳۹۵) با موضوع «جستاری در تربیت عقلانی؛ واکاوی دیدگاه قرآن کریم و اندیشه امام خمینی» همسو می‌باشد و فقیهی و ترکاشوند (۱۳۹۵) در مقاله خود اذعان کردند که مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه رسیدن به کمال تفکر و تعقل است و از نظر اسلام تنها راه تکامل مادی و سازگاری دنیا و آخرت و رسیدن به جامعه مطلوب و مقصد اعلای انسانیت عقل تفکر و تعقل است، و این عقل هست که نقش کلیدی در یافتن راه صحیح برای انسان و جامعه دارد.

در ادامه به چندین مورد از مضامینی که دارای فراوانی بیشتری نسبت به دیگر مضامین داشته‌اند پرداخته شده است. یکی از عواملی که در زمینه ازدیاد عقل بیان شد کسب تجربه می‌باشد. امام علی (ع) در این مورد می‌فرمایند: عقل غریزه‌ای است که به‌واسطه علم و تجربه زیاد می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۱۹). مورد مطرح شده با پژوهش شریفی نعمت‌آباد (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی تطبیقی نقش تجربه در تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی (ع) و جان دیویی» هم‌پوشانی دارد.

یکی دیگر از عواملی که در زمینه ازدیاد عقل بیان شد طلب عقل نمودن از خداوند است که با روایت بیان شده از زراره همخوانی دارد که فرمود حضرت باقر(ع) به من فرمودند: آیا راهنمایی نکند به چیزی که رسول خدا(ص) در آن استثناء نرده‌اند؟ عرض کردم: بله، بفرمایید. ایشان درحالی که انگشتانشان را مشت نموده بودند، فرمودند: آن، دعاست که قضائی را که به سختی محکم شده باشد، برمی‌گرداند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۱). مورد دیگری که در این زمینه بیان شد یاد خدا کردن یا همان ذکر بود که باعث ازدیاد عقل می‌گردد. این مورد با روایت امام صادق(ع) نیز همخوانی دارد که می‌فرمایند: همانا ذکر ما از مصادیق ذکر خداوند متعال است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۶)؛ لذا ذکر و یاد معصومین(ع) را می‌توان از عوامل ازدیاد عقل در نظر گرفت.

در یافته‌های به دست آمده به تأثیر عوامل مؤثر تغذیه‌ای در ازدیاد عقل و در نتیجه تربیت نوجوانان اشاره شد، نتایج مطالعه قدیمی، کامرانی، ضرغامی و درزی (۱۳۹۱) نشان داد که غذا و تغذیه به غیر از آثار جسمانی، دارای پیامدهای باطنی و معنوی در حوزه اخلاق و تربیت و رفتار آدمی نیز می‌باشد. همچنین یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که از منظر قرآن کریم، غذا و تغذیه از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و تکامل بعد تربیتی و معنوی انسان می‌باشند. همچنین غذا را ابزاری برای آزمایش، عاملی جهت تفکر، تعقل، تشکر، تعبد و تقوی، زمینه‌ساز سوگند و عامل شفا، عامل تبشیر و انذار، عامل کرامت انسان در رزق طیب، زمینه‌ساز تسخیر دریاها جهت بهره‌وری از روزی‌ها، عامل انجام اعمال صالح و ناصالح، عامل سقوط و هبوط، عامل صدور احکام الهی و عامل شقاوت اخروی می‌داند.

از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش ارتباط عمیق ادب و عقل مشخص گردید. ادب به تنهایی یکی از موارد رشد عقل می‌باشد. امام علی (ع): هر چیزی نیاز به عقل دارد. درحالی که عقل نیاز به ادب دارد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۱۰)، و این ارتباط تا جایی است که می‌توان گفت، کسی که ادب ندارد عقل نیز ندارد. چنانچه امیرالمؤمنین(ع) در روایتی تصریح به این مطلب دارند که کسی که ادب ندارد، عقل هم ندارد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۸۳)؛ بنابراین لازم است در پژوهش‌های دیگر به استخراج و بررسی آیات

و روایات مرتبط با ادب پرداخته شود؛ برای نمونه روایاتی که به این مورد پرداخته‌اند: امام علی(ع): کسی که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد، و پیش از آنکه با گفتار بخواهد ادب را به دیگران بیاموزد، با کردارش بیاموزد. کسی که به خودش ادب را تعلیم می‌کند، بیش از آموزگار و ادب‌آموز مردم، شایسته تجلیل است (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۸۰). امام علی(ع): هرکس که به گذشت شب و روز اقبال و توجه نماید، شب و روز او را ادب می‌کنند، درحالی‌که (می‌بیند) شب و روز فرسوده‌اش نموده و به مرگ نزدیکش ساخته‌اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۷۶۹). از امام حسین(ع) پیرامون ادب سؤال شد. ایشان فرمودند: ادب همان است که وقتی از خانه‌ات خارج شدی، هر کسی را که ملاقات کردی، او را برتر از خویش ببینی (محمود شریفی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۰). امام حسن عسکری(ع): برای مؤدب شدن همین بس که از آنچه از دیگران نمی‌پسندی، دوری کن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص. ۴۰۷). امام صادق(ع) فرمودند: ای سفیان! پدرم مرا به سه چیز ادب کردند و از سه چیز مرا نهی نمودند: اما آنچه که به واسطه آن به من ادب آموختند، این بود که فرمودند: پسر عزیزم! هر که با رفیق بد همنشین و هم صحبت شود، سالم نمی‌ماند و .... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص. ۲۶۱).

لازم به ذکر است که از عوامل شناختی مرتبط با عقل همیشه یاد خدا بودن اهمیت ویژه‌ای دارد که در روایات از واژه‌ی ذکر برای آن استفاده می‌گردد. پیرامون این مسئله می‌توان به روایات پیش‌رو از امام علی(ع) اشاره نمود: ذکر هدایت عقل‌ها و مایه بصیرت نفس‌ها است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۱۷۵). ذکر نور عقل، زندگی جان‌ها و روشنی بخش صدرها می‌باشد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۱۱۱). از این منظر یافته به‌دست‌آمده با پژوهش شاهنده (۱۴۰۰) همسو می‌باشد، شاهنده در پژوهش خود به نقش تربیتی ذکر خدا و چگونگی یاد خدا ... پرداخته است.

### ملاحظات اخلاقی پژوهش

صحت و دقت کافی در استخراج روایات انجام گرفته است .

### سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله تمامی مراحل فرایند پژوهشی را مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله هستند.

## حمایت مالی

این مقاله تحت عنوان «راهبردهای ازدیاد عقل به مثابه عاملی بنیادین در تربیت اسلامی: رویکردی پیشگراانه در دوره نوجوانی» تحت حمایت مالی-معنوی جایی نبوده و نویسندگان هزینه‌های آن را تقبل نموده‌اند.

## تعارض منافع

یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

## قدردانی

از کلیه افرادی که در گروه متخصصان ما را در این مسیر راهنمایی نمودند، سپاسگزاری می‌شود.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. قم: دار الشریف الرضی للنشر.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.

امینی، ابراهیم. (۱۳۸۷). *اسلام و تعلیم و تربیت*. قم: بوستان کتاب.

ایرانمنش، فاطمه؛ رستمی‌نسب، عباسعلی. (۱۳۹۵). *روش‌های تربیت عقلانی در صحیفه سجادیه*. معرفت، ۲۲۸، ۲۶-۱۳.

برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامية.

- بهشتی، سعید؛ رشیدی، شیرین. (۱۳۹۲). روش‌های تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع). *عقل و دین*، ۸، ۱۰۲-۶۷.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتب الإسلامية.
- توسلی، طیبه. (۱۳۹۲). تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز، تربیت سکولار. *مشرق موعود*، ۷(۲۶)، ۱۶۳-۱۴۳.
- حسینی‌زاده، سیدعلی. (۱۳۹۹). *غایت تربیت از دیدگاه اسلامی*. فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ۳۱(۱۵)، ۸۷-۶۷.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام. چاپ اول.
- راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی. (۱۳۷۶). *النوادر (للاوندی)*. قم: دار الکتب.
- رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی نقش تجربه در تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی (ع) و جان دیویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. کرمان.
- سیدزاده، نصیر احمد. (۱۳۸۸). *جایگاه و مبانی تربیت اسلامی*. ندای اسلام. شاهنده، آمنه. (۱۴۰۰). *نقش تربیتی ذکر خدا برای دستیابی انسان به آرامش و آسایش در قرآن*. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۷(۲)، ۱۷۹-۱۶۵.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). *نهج‌البلاغه (للصبحی صالح)*. قم: هجرت.
- شریفی نعمت‌آباد؛ رستمی نسب، عباسعلی و اخلاقی، مسعود. (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی نقش تجربه در تربیت از دیدگاه امام علی (ع) و جان دیویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- شعبانی ورکی، بختیار. (۱۳۷۷). *رویکردی فراتحلیل به نظریه‌های تربیت دینی*. *دانشکده الهیات مشهد*. ۴۱ و ۴۲.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). *مکارم الأخلاق*. قم: الشریف‌الرضی.
- عبدالله بن بسطام؛ حسین بن بسطام. (۱۴۱۱ق). *طبّ الأئمه علیهم السلام*. قم: دار الشریف‌الرضی.

- عشوری، مریم؛ حیدری، محمدحسین و بختیار نصرآبادی، حسن‌علی. (۱۳۹۲). معرفت، ۱۹۴، صص. ۱۱۴-۱۰۱.
- فقیهی، علیرضا؛ ترکاشوند، نسرین. (۱۳۹۵). جستاری در تربیت عقلانی؛ واکاوی دیدگاه قرآن کریم و اندیشه امام خمینی. معرفت، ۲۳۶، صص. ۲۷-۴۱.
- قاسم‌پور، محسن. (۱۳۹۰). جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی. پژوهش دینی، ۲۲، صص. ۹۰-۶۵.
- قدیمی، رضا؛ کامرانی، منیره سادات؛ ضرغامی، امین و درزی، علی اصغر. (۱۳۹۱). نقش تغذیه در ارتقاء بعد تربیتی و معنوی انسان از منظر قرآن کریم. دانشگاه علوم پزشکی بابل. (۱۵)، صص. ۳۴-۳۹.
- کاوینی، محمد. (۱۳۸۹). تربیت اسلامی (گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری). پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۷(۳)، صص. ۷۹-۷۲.
- کشاوری، سوسن. (۱۳۸۷). تحول در امر تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام اصلی آموزش ایران. فرهنگ و علم، ش ۱، صص. ۱۱۲-۷۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامية). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶) عیون الحکم و المواعظ (لللیثی). قم: دار الحدیث..
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع) (ط - بیروت). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۷). مناهج الحق و النجاة. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان .
- محقق، محمد. (۱۳۸۳). روش تربیتی اسلام. تهران: احسان.
- محمود شریفی، اسوه. (۱۳۸۳). موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه السلام). قم: سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران.
- مصباحی جمشید، پرستو. (۱۳۹۸). بررسی امکان تربیت دینی بر مبنای نظریه عقلانیت و حیانی با تکیه بر نظریات علامه جوادی آملی. اخلاق و حیانی، ۲(۱۶)، صص. ۳۷-۵.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام.

نیلی احمدآبادی، محمدرضا. (۱۳۹۲). جایگاه تعلیم و تربیت اسلامی در علوم انسانی. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۷(۱۳)، صص. ۱۸۶-۱۷۱.

وحدانی‌فر، هادی. (۱۳۹۳). بازشناسی مفهوم دینی عقل، مبنایی برای تعلیم و تربیت در اسلام. پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، ۹، صص. ۱۶۹-۱۴۷.

هويزاوی، زهره؛ عنایتی، میرصلاح‌الدین. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر استفاده از روش‌های رویارویی با استرس در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهواز. یافته‌های نو در روان‌شناسی. ۱۴(۵)، صص. ۹۵-۱۰۹.

Jones, A.(2011). Theorising international youth volunteering: training for global (corporate) work? Transactions of the Institute of British Geographers, New Serie.